

کاشمیر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است
■ دوشنبه ۱۹ مرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰۰ / نومان

۲



واژه واژه، قواعد لوترای استرآبادی را پیدا کرده، تدوین و شرح کردم



۳



کوروش صفوی؛ معناگرا، نظریه پرداز و چهره اثرگذار زبان شناسی معاصر ایران



۸



دانشگاه‌ها بازوی علمی دولت برای حل مشکلات کشور هستند



نسیم شمال

مرغوبترین برنج و خشکبار ایران

تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸

یادداشت اول

فضای مجازی و رسانه‌های مکتوب

■ فاطمه سراوانی

گسترش فضای مجازی، بدون تردید یکی از بزرگ‌ترین تغییرات در تاریخ رسانه بوده است. امروز خبر در کوتاه‌ترین زمان ممکن از یک نقطه به نقطه دیگر می‌رسد و مخاطب با حجم بی‌سابقه‌ای از اطلاعات مواجه است. شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به خبر را آسان‌تر کرده‌اند و بسیاری از عادت‌های رسانه‌ای مردم را تغییر داده‌اند. همین تحول، این پرسش را مطرح کرده است که آیا در عصر سرعت و انتشار لحظه‌ای، هنوز نشریات مکتوب می‌توانند زنده بمانند و اثرگذار باشند؟

پاسخ را باید در تفاوت میان انتقال خبر و تولید فهم جست‌وجو کرد. فضای مجازی در سرعت بی‌رقیب است، اما سرعت همیشه به معنای شناخت نیست. در میان آنبوه خبرها و روایت‌های پراکنده، مخاطب همچنان به رسانه‌ای نیاز دارد که بتواند موضوعات را دسته‌بندی کند، ریشه‌ها را ببیند و تصویری روشن‌تر از واقعیت ارائه دهد. این همان جایی است که نشریات مکتوب هنوز مزیت خود را حفظ کرده‌اند.

رسانه مکتوب امروز دیگر نمی‌تواند صرفاً با خبررسانی روزانه با فضای مجازی رقابت کند؛ چرا که میدان سرعت، میدان اصلی آن نیست. ارزش روزنامه در تحلیل، اعتبار، انتخاب سوژه و ساختن یک روایت ماندگار از مسائل جامعه است. موضوعاتی مانند توسعه بحران آب، آینده کشاورزی، اقتصاد منطقه‌ای و چالش‌های اجتماعی، با یک خبر کوتاه در شبکه‌های اجتماعی قابل فهم نیستند و نیازمند رسانه‌ای هستند که فرصت بررسی و واکاوی داشته باشد. در استان گلستان، تجربه روزنامه گلشن مهر قابل تأمل و نمونه‌ای بارز از همین تغییر رویکرد است. این روزنامه تلاش کرده است جایگاه خود را نه در رقابت با سرعت فضای مجازی، بلکه در حوزه تحلیل و تبیین مسائل استان تعریف کند. گلشن مهر در سال‌های فعالیت خود نشان داده که یک رسانه محلی می‌تواند فراتر از انعکاس رویدادها حرکت کند و به سراغ موضوعاتی برود که آینده استان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ادامه در صفحه ۸

قانون و آزادی



استناد به گزارش‌ها و تحلیل‌های کارشناسان خارجی حاضر در دوران مشروطه گفت: یکی از ارزیابی‌های آن دوره نشان می‌دهد که مردم ایران خواهان آزادی و حکومت قانون بودند، اما برای اجرای این آرمان‌ها، فرصت کافی برای تقویت مهارت‌های مدنی، فرهنگ گفت‌وگو و نهادسازی در اختیار نداشتند. وی تأکید کرد: قانون‌گرایی تنها با تصویب قانون محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند احترام شهروندان به حقوق یکدیگر، گفت‌وگو، مدارا، پرهیز از خشونت و شکل‌گیری فرهنگ مدنی است. فراستخواه در ادامه، مداخلات روسیه و انگلستان را از مهم‌ترین موانع استقرار کامل نظام مشروطه دانست و افزود: این قدرت‌ها با هدف حفظ نفوذ خود، از شکل‌گیری یک دولت مستقل، قانون‌مدار و مقتدر در ایران حمایت نمی‌کردند. وی در بخش دیگری از سخنان خود به نقش نخبگان سنتی در ساختار قدرت اشاره کرد و گفت: یکی دیگر از مشکلات آن دوره، انحصار قدرت در دست گروه محدودی از نخبگان سیاسی بود که مانع ورود نیروهای تازه، اندیشه‌های نو و استعدادهای جدید به عرصه حکمرانی می‌شدند. این جامعه‌شناس در پایان خاطرنشان کرد: انقلاب مشروطه اگرچه دستاوردهای بزرگی در زمینه قانون‌خواهی، آزادی و محدودسازی قدرت داشت، اما تحقق کامل آرمان‌های آن نیازمند نهادهای اجتماعی توانمند، فرهنگ مدنی، مشارکت عمومی و فرصت کافی برای بلوغ سیاسی جامعه بود.

و بروز خشونت انجامید. وی دومین الگو را «کنشگران مرزی» دانست و گفت: گروهی از اصلاح‌طلبان و مدیران می‌کوشیدند در مرز میان دولت و جامعه، اصلاحات اداری، آموزشی، مالی و اجتماعی را پیش ببرند، اما این جریان نیز با دو مانع اساسی روبه‌رو شد؛ نخست، رقابت‌ها و تحولات قدرت‌های جهانی که بر روند تحولات داخلی ایران اثر می‌گذاشت و دوم، مقاومت ساختارهای قدرت داخلی که مانع پیشبرد اصلاحات می‌شد. وی ادامه داد: در ساختارهای قدرت، همواره نوعی حامی‌پروری شکل می‌گیرد که بخشی از جامعه را برای حفظ منافع خود با ساختار موجود همراه می‌کند و همین مسئله، روند اصلاحات را با دشواری مواجه می‌سازد. فراستخواه با بیان اینکه پس از ناکامی این دو الگو، راهی جز شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی باقی نماند، اظهار کرد: انقلاب مشروطه یک جنبش شهری بود، اما جامعه آن روز ایران از نهادهای مدنی، صنفی، حرفه‌ای و اقتصادی قدرتمند برخوردار نبود و همین ضعف نهادی موجب شد

میزگرد علمی یکصدوبیستمین سالگرد انقلاب مشروطه ایران در همایش «انقلاب مشروطه؛ قانون و آزادی» با حضور اساتید دانشگاهی و کارشناسان مسائل سیاسی و تاریخی برگزار شد. به گزارش ایسنا یک جامعه‌شناس و پژوهشگر تاریخ اندیشه، با بیان اینکه انقلاب مشروطه پس از ناکامی الگوهای مختلف اصلاحات در ایران شکل گرفت، گفت: تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هیچ حکومتی صرفاً از درون خود اصلاح نمی‌شود و تحقق قانون و آزادی نیازمند جامعه‌ای برخوردار از نهادهای مدنی، فرهنگ گفت‌وگو و صبر فعال است. مقصود فراستخواه با اشاره به دشواری‌های تاریخی جامعه ایران در مسیر نهادسازی اظهار کرد: جامعه ایران برای دستیابی به آزادی و قانون، مسیری طولانی و پرهزینه را پیموده است و همچنان نیز به «صبر فعال» نیاز دارد؛ صبری که با عمل، تجربه و یادگیری همراه باشد، نه انتظار منفعلانه. وی با مرور زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه، سه الگوی اصلاح پیش از مشروطه را تشریح کرد و گفت: نخستین الگو، اصلاحات از درون حکومت بود؛ جریانی که تلاش می‌کرد با حفظ ساختار قدرت، اصلاحاتی محدود ایجاد کند، اما وابستگی اقتصادی، استقراض خارجی و ناتوانی در حل بحران‌های کشور، مانع موفقیت آن شد. فراستخواه افزود: تجربه تاریخی نشان داد که اصلاحات از بالا نتوانست پاسخگوی مطالبات جامعه باشد و در نهایت نیز به افزایش نارضایتی

کریم‌الله قائمی:

واژه‌واژه، قواعد لوترای استرآبادی را پیدا کرده، تدوین و شرح کردم



مهدی جلیلی

بخش سوم و پایانی

اشاره

این گفت‌وگو بخشی از یک مصاحبه بلند ۶ ساعته در یکی از روزهای پاییزی ۱۳۹۸ با کریم‌الله قائمی، نویسنده، پژوهشگر، طنزپرداز، مترجم زبان طبری، شاعر و صاحب مانیفست شعر گفتار، فرزند صفرعلی، متولد ششم تیرماه ۱۳۱۸ خورشیدی در روستای بالا جاده از توابع کردکوی، معلم، شاعر، نویسنده، پژوهشگر تاریخ و فرهنگ فولکلور و عضو هیئت مؤلفین واژه‌نامه بزرگ طبری و دانشنامه گلستان است که متأسفانه فایل صوتی و متن کامل آن مفقود شده و تنها بخشی از آن که توسط گلشن‌مهر پیاده شده را یافتیم به همراه نزدیک به ۳۰۰ فریم تصویر که همان‌روز از چهره استاد قائمی گرفتم. بخش سوم و پایانی این گفت‌گو را می‌خوانید.

درباره «لوترا» بیشتر بگویید. قاعده،

نظم و قانونی نداشت، نظم می‌دادید؟

در بی قانونی قاعده دارد. حتی از کرج آمدند گفتند آقای قائمی این حرف که شما می‌زنید کسی حرف لوترای استرآبادی را بلد نیست چه طور شما می‌گویید قاعده‌اش؟

لوترا یعنی چی؟ چرا به این نام گفته شد.

این نوع زبان‌های رمزی در ایران بوده است و به آن لوترا یا زبان‌های رمزی این زبان رمزی این زبان رمزی فارسی، ترکی، ارمنی، لری، ترکمنی این زبان رسمی است.

آیا به این زبان‌های رمزی می‌توان زبان خاص گفت چیست؟

نه خیر، این زبان نیست در حقیقت تبدیل زبان است. ما فارسی که داریم با قاعده فارسی این کلمه (کجا) می‌شود (جاکو) اگر انگلیسی باشد ما به چیزی می‌گوییم. همه زبانی را با زبان لوترای استرآبادی می‌توان صحبت کرد یا همه زبان‌ها لوترا دارند اما فرق آنها در ساختار آنهاست. منتهی در لوترای با رویه استرآبادی قانون ندارد لذا باید کلمات را پس و پیش کنیم. کلمات ۲ حرفی و ۳ حرفی و ۴ حرفی و ۵ حرفی هستند و غیره یک قواعد کلی دارد که گاه تغییراتی در آن می‌بینیم. من با تلاش بسیار قانونش را به دست آوردم. اینها یک چیزی است که یک نویسنده و پژوهشگر نمی‌تواند از خودش کاری انجام دهد. وقتی از من پرسیدند گفتیم من آدم بر اساس مصوت‌ها کار می‌کردم. لذا بر روی مصوت‌ها و هجاها کار کردم

و هر دسته‌ای که از لحاظ ساختاری اگر مصوت و هجاهای آن یکی بود آنها را ردیف هم قرار می‌دادم. می‌نشستم پهلوی آقای هدایت مفیدی و دیگر گویشوران و وقتی اولی را که می‌گفت قاعده‌ها را پیدا می‌کردم و در گروه خود قرار می‌دادم و همین‌طور یادداشت برمی‌داشتم و بقیه را خودم می‌گفتم و با آنها مقابله می‌کردم و این‌طور، واژه‌واژه، قواعد آن را به دست آوردم و در کتاب لوترای استرآبادی آن را تدوین کرده و شرح دادم.

یک چیزی برایم سوال است دو چیز

گفتید واروی استرآبادی و لوترای

استرآبادی آیا یکی است یا جداست؟

لوترا اسم کلی رمزی‌هاست؛ یکی شالی استرآبادی و دیگری واروی استرآبادی. شالی استرآبادی قانونمند است اما لوترا نیست. موضوع این است که لوترای شالی را یک استاد عزیز و بزرگوار آمد و گفت که من چند تا مطرب‌ها را دیدم که به این سخن می‌گویند این زبان، زبان مطربی است. من



تعجب کردم از ایشان این استاد دانشگاه و بزرگواری ایشان. اینکه اسم گذاری می‌کنند بر اساس ساختار اسم‌گذاری می‌کنند در یک مقاله جواب ندادم البته اسمی نبردم. گفتم بر اساس ساختار اینها اسم‌گذاری می‌شود اگر این طور باشد وقتی می‌گوییم زبان مرغی، پس مرغان را می‌خواستند بدزدند. مرغ فروش‌ها زبان مرغی درست کردند و ...

قدمت شالی و لوترای استرآبادی به چه

زمانی برمی‌گردد و کاربردهای آن را

بگویید.

قدیمی‌ترین سندی که معتبر است و همان باعث شد پی‌گیری کنم. دبیرستان که بودم بچه‌ها هر دو زبان را صحبت می‌کردند اما من تنبلی کرده بودم. معلم شدم خواندم مردم شهر استرآباد غیر از زبان فارسی گرگانی(گویش گرگانی) به زبان دیگری سخن می‌گویند به نام لوترای استرآبادی که به همین لوترای استرآبادی واروی استرآبادی می‌گوییم. نزدیک ۱۱۰۰ سال پیش در کتاب حدود عالم نوشته بود. این کتاب (جغرافیای تاریخی است و نویسنده آن مشخص نیست و گمنام است) وقتی را نوشته است.

نمونه‌هایی هم ذکر کرده بود؟

نه هدف من این است استادان این حرف را می‌زنند دیدم این از عقل به دور است بعد تمام این فرهنگ لغت‌ها از روی هم دیگر دیدند. مثلاً فلان آقا یا خانمی گفته است کسانی که این زبان را می‌گفتند مردمی دزد و عیار و بی‌سروپا بود اما من این را رد کردم. گفتم آنها حکومتی بودند و کسانی که این زبان را داشتند وطن‌دوست بودند به خاطر اینکه مال، شهر، ناموس، حیثیت به خطر نیفتد چون مردم ضعیفی بودند به فکر چاره افتادند و این زبان را ساختند.

این زبان‌های لوترای وارو و شالی،

مکتوب بودند یا شفاهی بودند؟

آنها گفتند شفاهی بودند اما من اعتقاد ندارم. برای مثال خودمان که دبیرستانی بودیم در همین گرگان در ۶۶ سال پیش آقای مهندس فرزاد، معلم بازنشسته و دبیر است. ایشان زبان شالی و لوترا را انشاء می‌نوشتند و می‌آمدند می‌خواندند یا



یکی از گویشوران من آقای زیادلوسست همان که چاپخانه فردوسی داشت. ایشان ترانه‌های دهه ۴۰ را به زبان وارو می‌خواند و بشکن می‌زد.

یعنی این قدر مرسوم بوده است؟

بله همه گیر بود.

به شکل تفنن بهش نگاه می‌کردند؟ در این دهه‌ها و سده اما نباید تفنن بوده باشد؟

نه تفنن نبوده است. این سد اسکندر از شمال هجوم می‌آوردند از شرق هجوم می‌آوردند اولین جا از گنبد تا دریا که سد را ساختند قبل از اسلام دیوار قدیم جرجان یورش‌ها باعث بود.

یک سدی هم باید برای زبان می‌ساختند؟

بله یک سدی برای زبان ساختند خانواده عمادی که در گرگان ۷ الی ۸ نفر هستند. معلم و غیرمعلم و موارد دیگر. که با آنها آشنا هستم. یک خانم از گویشوران بود ایشان همه جا می‌گفت که

مهمان در خانه داشتیم پدرمان به زبان وارو با ما سخن می‌گفت مثلاً می‌رفتیم ماست می‌خریدم.

این را عیب نمی‌دانستند که در حضور

مهمانان به این زبان سخن می‌گفتند؟

نه اصلاً عیبی نداشت و ایراد نبود این برای حفاظت بوده است.

این زبان کتبی بود یا شفاهی؟

اینها به اعتقاد من کتبی بود برای آنهایی که سیاسی زمان بودند.(مثلاً قمرطیان) مثلاً حافظ یکی از غزل‌هایش به صورت رمز بوده است: «به آن نشان که تو دانی» پیام سیاسی است در هر صورت یک زبان رمزی است. در واقع اشاره به قاعده‌های رمزی دارد. منظورم این است که برای آنهایی که در زمان گذشته سیاسی بودند و فکر جامعه و مملکت بودند برای آنها رمز بود. فضل ... حروفی رمز داشت.

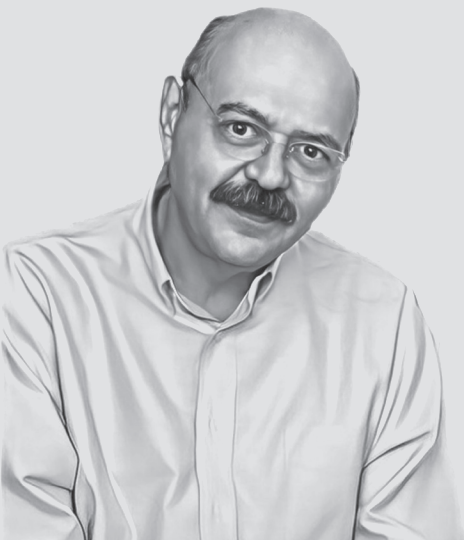
چرا حروفی؟ چرا می‌گویند فضل الله حروفی؟

آنها از حروف الفبای فارسی و عربی، رموزی به کار می‌بردند که دیگران نفهمند خودشان رمز را گذاشتند که دیگران نفهمند. اینکه همه را قتل عام کردند، پوست کنند و فلان کار کردند، مسائل سیاسی است و مسائل سیاسی روزگاران بود. مسلماً برای انقلابیون آن زمان که تحت ستم واقع می‌شدند مسلماً این زبان‌ها بود.

مسلماً فضل الله حروفی از این زبان استفاده می‌کرد؟

از این زبان نه نمی‌گویم از این زبان خودشان برای خودشان حروفی و رمزی درست کردند یعنی مربوط به حالا و رمز است آنها هم داشتند. درحال حاضر هم حتی ترکمن‌هایی که گنج‌کنی می‌روند زبان وارونی حرف می‌زنند واروی ما رو به ترکمنی می‌گویند هر کسی استفاده می‌کند. در آن موقع به خاطر حفظ مملکت ولی الان به خاطر موارد دیگر زبان وارو تنها زبانی است قانون ندارد و زبان مشکلی است. حتی زبانی که قانون دارد مثل زبان صمدی که به قدری تند صحبت می‌کنند، زبان مرغی که قانونی دارد. نمی‌توانی، فقط کسی که زبان مادری اوست می‌تواند بفهمد. وقتی بچه روستا بوئیم و هنوز کلاس پنجم نبودیم زبان زرگری، مرغی و گنجشکی در سراسر ایران بوده است. ما هم کسانی داشتیم به این زبان سخن می‌گفتند.





به ادبیات (دو جلد: نظم و شعر)، گفتارهایی در زبان‌شناسی، درآمدی بر معنی‌شناسی، منطق در زبان‌شناسی، معنی‌شناسی کاربردی، فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی، آشنایی با نظام‌های نوشتاری، آشنایی با تاریخ زبان‌شناسی و سرگردان در فلسفه ادبیات اشاره کرد. ترجمه‌های او نیز نقش مهمی در معرفی زبان‌شناسی مدرن به فارسی‌زبانان داشت؛ از جمله ترجمه دوره زبان‌شناسی عمومی سوسور، زبان و ذهن و زبان و اندیشه چامسکی، روندهای بنیادین در دانش زبان یاکوبسن، سه رساله درباره حافظ بورگل، دنیای سوفی گاردنر و محفل فیلسوفان خاموش هوسله.

رویکرد علمی و جایگاه نظری

صفوی را باید در دسته «زبان‌شناسان معناگرا و تعالی‌گرا» قرار داد؛ کسانی که زبان را در پیوند با فرهنگ، ادبیات و فلسفه می‌بینند. او برخلاف زبان‌شناسان ساخت‌گرا، معتقد بود زبان‌شناسی باید از مرزهای نحوی و واجی فراتر رود و به حوزه معنا، نشانه و فرهنگ وارد شود. نگاه میان‌رشته‌ای او، امروز یکی از جریان‌های مهم مطالعات ادبی و زبان‌شناسی در ایران است.

صفوی در نسل‌بنی زبان‌شناسان ایران، در نسل سوم قرار می‌گیرد؛ نسلی که زبان‌شناسی را از چارچوب‌های کلاسیک بیرون آورد و به سوی معناشناسی، نشانه‌شناسی و نظریه ادبی هدایت کرد.

میراث علمی و تأثیرگذاری

میراث صفوی تنها در کتاب‌ها و ترجمه‌ها نیست؛ در ذهن و نگاه نسل‌هایی است که با او زبان‌شناسی را آموختند. او یکی از چهره‌هایی بود که زبان‌شناسی را در ایران از سطح آموزش دانشگاهی به سطح تولید نظری رساند. تأثیر او بر معناشناسی، نشانه‌شناسی و مطالعات ادبی، همچنان در پژوهش‌های دانشگاهی دیده می‌شود. صفوی با نگاه معناگرا و میان‌رشته‌ای خود، زبان‌شناسی ایران را غنی‌تر، گسترده‌تر و انسانی‌تر کرد.

از تأثیرگذارترین استادان زبان‌شناسی ایران بدانند. صفوی در ۲۰ مرداد ۱۴۰۲ در تهران درگذشت.

معناشناسی: هسته اندیشه صفوی

اگر بخواهیم یک محور مرکزی برای اندیشه کوروش صفوی تعیین کنیم، بی‌تردید معناشناسی است. او معناشناسی را «قلب زبان‌شناسی» می‌دانست. در کتاب‌های درآمدی بر معنی‌شناسی و معنی‌شناسی کاربردی، صفوی تلاش کرد مفاهیم معناشناسی صوری و کاربردی را با زبان فارسی سازگار کند و نشان دهد که معنا چگونه در ساختارهای نحوی، واژگانی و گفتمانی شکل می‌گیرد.

او، معنا را پدیده‌ای پویا می‌دانست؛ چیزی که در تعامل میان متن، فرهنگ و ذهن شکل می‌گیرد. او معتقد بود معناشناسی باید از چارچوب‌های خشک ساخت‌گرایی فراتر رود و به حوزه‌های ادبیات، فلسفه و فرهنگ وارد شود. همین نگاه بود که او را از بسیاری از زبان‌شناسان هم‌دوره‌اش متمایز می‌کرد.

نشانه‌شناسی: پلی میان زبان و ادبیات

نشانه‌شناسی برای صفوی، روشی برای فهم جهان بود. او در کتاب‌های آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات و از زبان‌شناسی به ادبیات نشان داد که چگونه می‌توان ساختارهای نشانه‌ای را در شعر و نثر فارسی تحلیل کرد و از دل آن‌ها به معنای پنهان و لایه‌های فرهنگی رسید. صفوی نشانه‌شناسی را ابزاری می‌دانست برای فهم «چگونگی ساخته‌شدن معنا» در متن ادبی. او با تحلیل آثار کلاسیک و مدرن فارسی، نشان داد که نشانه‌شناسی می‌تواند به‌عنوان روشی میان‌رشته‌ای، ادبیات را از زاویه تازه‌ای قابل فهم کند. نگاه او به نشانه‌شناسی، نگاه یک نظریه‌پرداز بود؛ کسی که می‌خواست این دانش را در ایران بومی‌سازی کند و آن را از سطح ترجمه صرف به سطح تولید نظری ارتقا دهد.

تاریخ زبان‌شناسی و نظام‌های نوشتاری: نگاه تاریخی و تحلیلی

یکی از حوزه‌های مهم فعالیت صفوی، تاریخ زبان‌شناسی بود. او در کتاب آشنایی با تاریخ زبان‌شناسی، مسیر تحول زبان‌شناسی را از یونان باستان تا ساخت‌گرایی و پس‌اساخت‌گرایی بررسی کرد و نشان داد که چگونه نظریه‌های زبان‌شناسی در بسترهای تاریخی و فلسفی شکل گرفته‌اند.

در کتاب آشنایی با نظام‌های نوشتاری نیز صفوی به بررسی تاریخ خط، تحول نظام‌های نوشتاری و رابطه خط با زبان پرداخت. این آثار نشان می‌دهند که صفوی تنها یک معناشناس نبود؛ او زبان‌شناسی را در گستره تاریخی و فرهنگی می‌دید و تلاش می‌کرد دانشجویان را با ریشه‌های نظری این علم آشنا کند.

آثار

کوروش صفوی بیش از سی کتاب تألیف و ترجمه کرد که بسیاری از آن‌ها امروز از منابع اصلی آموزش زبان‌شناسی در ایران‌اند. از میان آثار تألیفی او می‌توان به درآمدی بر زبان‌شناسی، واژه‌نامه زبان‌شناسی، نگاهی به پیشینه زبان فارسی، هفت گفتار درباره ترجمه، از زبان‌شناسی



به بهانه (۲۰مرداد) سالمرگ کوروش صفوی

کوروش صفوی معناگرا، نظریه پرداز و چهره اثر گذار زبان‌شناسی معاصر ایران

مهدی جلیلی

چهره‌ای که زبان‌شناسی ایران را دگرگون کرد

کوروش صفوی از آن چهره‌هایی است که حضورش در زبان‌شناسی ایران تنها به تولید کتاب و مقاله محدود نمی‌شود؛ او یک «جهان‌بین» بود، کسی که زبان را نه صرفاً ابزار ارتباط، بلکه ساختاری پیچیده، چندلایه و حامل معناهای فرهنگی می‌دید. صفوی از معدود زبان‌شناسان ایرانی بود که توانست میان زبان‌شناسی، ادبیات، فلسفه و معناشناسی پلی پایدار بسازد و نسل تازه‌ای از دانشجویان را با نگاه میان‌رشته‌ای آشنا کند. در دهه‌هایی که زبان‌شناسی ایران بیشتر درگیر ساخت‌گرایی کلاسیک بود، صفوی با ترجمه‌ها و تألیفاتش چشم‌ها را به سوی معناشناسی، نشانه‌شناسی و تاریخ زبان‌شناسی گشود و مسیر تازه‌ای را پیش پای پژوهشگران گذاشت.

زندگی و مسیر علمی: از اروپا تا دانشگاه‌های ایران

کوروش صفوی در ۶ تیر ۱۳۳۵ در تهران به دنیا آمد. کودکی‌اش را در اروپا گذراند و همین تجربه زیست در محیط چندزبانه، بعدها در شکل‌گیری نگاه معناشناختی و نشانه‌شناختی او نقش مهمی داشت. آشنایی با زبان‌های آلمانی، لاتین و یونانی باستان، او را از همان آغاز در مسیر زبان‌شناسی تاریخی و نظری قرار داد. پس از بازگشت به ایران، وارد مدرسه عالی ترجمه شد و سپس در دانشگاه تهران زبان‌شناسی خواند؛ کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۸ و دکتری را در سال ۱۳۷۲ گرفت.

او، از سال ۱۳۵۶ به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی فعالیت خود را آغاز کرد و تا پایان عمر، یکی از ستون‌های اصلی آموزش زبان‌شناسی در ایران باقی ماند. او نه‌فقط استاد دانشگاه، بلکه معلمی بود که به گفته شاگردانش، «زبان‌شناسی را زندگی می‌کرد». حضور او در کلاس‌ها، با شور، دقت و نگاه فلسفی همراه بود؛ و همین ویژگی‌ها باعث شد نسل‌های مختلف دانشجویان، او را یکی



صدای تو با من



آناهیتا فرحبخش، گرگان

چشمم را ببندم
باز کنم
نشسته باشی
چشمم را ببندم
تصور کنم
جایی که باید نشسته باشی
خالی مانده

یک کابوس را مگر چقدر می‌شود
هرشب دیده باشی
هر بار هم به عرق نشسته باشد تنت؟
اصلا می‌دانی
اینکه شعر رمز مشترک حرف‌هایی‌ست که در گوش هر
کسی نمی‌توان گفت،
دلم را بیشتر می‌لرزاند
یعنی دارد بند می‌خورد لحظه‌ها به استطاعت کلمه
و استقامت استخوان‌های حضور
معنا پیدا می‌کند در ضرابان
:نبضم را بگیر
ضرباتی که روی دست حس نمی‌شود
دارد قلبم را از جا می‌کند
این یعنی جای خیلی چیزها دیگر به گذشته‌ای که داشتند،
ارتباطی ندارد
چشم و حتی دهان هم بسته باشد
و باقی مانده هوشیاری اعصاب
شبیه گوش
صدای شعر خواندنت را در سرم بچرخاند
دارد چه کار می‌کند صدای تو با من
یک عمر نشسته باشی و عبور سایه‌ها را مسخره کنی
و تصویرش هم دور تر از آن بود که یادت بیاورد
شعر
می‌تواند بند بزند تو را
به آنجایی که باید نشسته می‌بودی

از زنی پا به ماه



کبری خسروی، کرمانشاه

بالاخره آمدی!
از زنی پا به ماه
با غفلتی موروثی
در جغرافیایی ناگزیر...
تو در نقش‌های جدیلت فرو می‌رفتی
از آن طرف نمایش‌نامه
دست‌هایشان پیدا بود
غریق‌های بی‌نجات
ساحل‌های غرق
و مرغانی
که دریا را بالا می‌آوردند

تو هم نقش‌هایت را
از قبل مرور نکرده بودی
در تعویض پی در پی دوربین‌ها
گاه در نقش‌هایی
که فرو می‌شدی
تلخ
و نیمه‌جان
بیرون‌می‌کشیدی
بی‌آنکه دستی به سویت دراز شده باشد

دستت را به من بده!
دستم را بگیر
فرو رفتنی ازین بیشتر...

یک نفر خارج از روایت اما
عاشقت شده است
و صبح‌ها
نقش‌هایش را خوب مژه مژه می‌کند
او
تو را بازی خواهد کرد
با نقش‌هایی که خودش می‌آفریند!
...
چه حال خوبی
او را در نقش‌ها
نریخته‌اند!

ششداگ عرصه آن وقت است بمساحت ۱۰٬۸۶۴ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی ششموش بخش دو حوزه ثبت گران طبق براری صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به مقاضای دارد.

۱- (۹- ۱۹) کلاسه ۱۰۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۸۵۱۴۲ خانم رحمت علی به شماره شناسنامه ۳۳۷۴

فرزند ذری ۱۲۱۲۱۹۵۷۱۱ فرزند علی اکبر در سه دانگ مشاع از ششداگ یک قطعه باغ یک مقدار ۱۰٬۰۷۰ کلاسه ۱۲۲ سهم ششداگ عرصه آن وقت است بمساحت ۱۰٬۸۶۴ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی ششموش بخش دو حوزه ثبت گران طبق براری صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به مقاضای دارد.

۲- کلاسه ۱۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۸۵۱۴۲ خانم غفرت غفاری نیا به شماره شناسنامه ۱۱۷۲ و کد ملی ۱۲۱۲۱۴۲۰۰۰۰۸۵۱۴۲ فرزند مهدی در ششداگ یک قطعه زمین زمرزوعی که مقدار ۱۰٬۰۷۰ سهم ششداگ عرصه آن وقت است بمساحت ۵۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی ششموش بخش دو حوزه ثبت گران طبق براری صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به مقاضای دارد.

۳- کلاسه ۱۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۰۸۵۱۴۲۰۰۰۰۸۵۱۴۲ آقای علیرضا قانی مقدم به شماره شناسنامه ۱۳۳ و کد ملی ۱۲۱۲۱۸۹۸۶۶۶ فرزند قدرت الله در ششداگ یک قطعه باغ

که مقدار ۱۰٬۷۰۵ سهم مشاع از ۱۲۲ سهم ششداگان عرصه آن وقت است بمساحت
۱۸۰٬۲۳۶ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی شمشوک بخش دو
حوزه ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
ردیف ۲۲- کلاس ۱۴۰۵۱۱۴۱۲۰۱۰۰۰۵۷۳ تقاضای خاتم فاطمه سادات فاطمی به شماره شناسنامه
۳۵۰۱ سهم مشاع از ۱۲۲ سهم ششداگان عرصه آن وقت است بمساحت
۵۰٬۲۶۵ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی شمشوک بخش
دو حوزه ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
ردیف ۲۳- کلاس ۱۴۰۵۱۱۴۱۲۰۱۰۰۰۵۵۷ تقاضای آقای عباس میرزایی به شماره شناسنامه ۳۳
کلی می شود و حوزۀ ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
سهم ششداگان عرصه آن وقت است بمساحت: ۴۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۳۶- اصلی واقع در اراضی
شمشوک بخش دو حوزه ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
ردیف ۲۴- کلاس ۱۴۰۵۱۱۴۱۲۰۱۰۰۰۱۱۹۵ تقاضای آقای حمیدرضا وهبی یان
به شماره شناسنامه ۴۵۴۳ که کلی می شود و حوزۀ ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
قطعه باغ که مقدار ۱۰٬۷۰۵ سهم مشاع از ۱۲۲ سهم ششداگان عرصه آن وقت است
بمساحت: ۱۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی شمشوک بخش دو
حوزه ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
ردیف ۲۵- کلاس ۱۴۰۵۱۱۴۱۲۰۱۰۰۰۱۹۹۰ تقاضای آقای غلامرضا فراهی به شماره
شناسنامه ۴۵۹ که کلی می شود و حوزۀ ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
که مقدار ۱۰٬۷۰۵ سهم مشاع از ۱۲۲ سهم ششداگان عرصه آن وقت است بمساحت:
۳۸٬۹۶۱ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی شمشوک بخش دو
حوزه ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
ردیف ۲۶- کلاس ۱۴۰۵۱۱۴۱۲۰۱۰۰۰۱۸۴۰ تقاضای آقای محمدرضا عادلینی به شماره
شناسنامه ۵۷۱ و کلی می شود و حوزۀ غلام حسین در ششداگان یک قطعه زمین
پای بنای احداتی که مقدار ۱۰٬۷۰۵ سهم مشاع از ۱۲۲ سهم ششداگان عرصه آن وقت است
بمساحت: ۳۷۵٫۲۵ مترمربع از پلاک شماره ۳۶ - اصلی واقع در اراضی شمشوک بخش
دو حوزه ثبت گرانگ طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
ردیف ۲۷- کلاس ۱۴۰۵۱۱۴۱۲۰۱۰۰۰۱۸۳۹ تقاضای آقای محمدرضا عادلینی به
شماره شناسنامه ۵۷۱ و کلی می شود و حوزۀ غلام حسین در ششداگان یک
قطعه مزروعی که مقدار ۱۰٬۷۰۵ سهم مشاع از ۱۲۲ سهم ششداگان عرصه آن وقت است

ردیف ۱- کلاسه ۲۸۵۰، ۱۴۰۱۱۴۴۱۲۰۰۰ فرزند تقاضای آقای رمضان پاسندی یساقی به شماره شناسنامه ۱۶ و کد ملی ۲۷۹۹۶۹۰۲۱۰ فرزندان عابدین در ششادان یک قطعه زمین با بنای بمساحت ۱۰۰،۶ مترمربع از پلاک شماره ۱۸ فرعی از ۳۴۵ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۲- کلاسه ۲۰۰۲۴، ۱۴۰۱۵۱۴۴۱۲۰۰۰ فرزند تقاضای آقای قربانعلی رضانی به شماره شناسنامه ۱۰۹۱ و کد ملی ۲۱۲۵۶۰۷۹۰ فرزندان نبی در ششادان یک قطعه زمین با بنای احدائی بمساحت ۶۰،۱۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۳۵۰ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۳- کلاسه ۴۷، ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۰ فرزند تقاضای آقای محمدجواد فرجی به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ فرزندان عزیزاله در ششادان یک قطعه زمین با بنای احدائی بمساحت ۹۶،۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۳۰ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۴- کلاسه ۱۰۰۳۶، ۱۴۰۱۵۱۴۴۱۲۰۰۰ فرزند تقاضای آقای محدحسین افشار به شماره شناسنامه ۱۱۵۶ و کد ملی ۲۱۱۲۱۶۵۱۳۰۰۰۰ فرزندان عباسعلی در ششادان یک قطعه زمین با بنای احدائی که پنج دانگ مشاع از ششادان عرصه آن وقف خاص می باشد بمساحت ۲۸،۳ مترمربع از پلاک شماره ۳۳۴ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۵- کلاسه ۳۰۵۷، ۱۴۰۱۵۱۴۴۱۲۸۰۰۰ فرزند تقاضای آقای زبیداله نژادافزار به شماره شناسنامه ۱۴۲ و کد ملی ۲۱۲۱۸۰۶۶۶۰۰۰ فرزند غلامحسین در سه دانگ اعیان یک قطعه زمین با بنای احدائی که ششادان عرصه آن وقف است ۳۰۸ کلاسه ۱۴۰۱۵۱۴۴۱۲۸۰۰۰ فرزند تقاضای خانم نجمه کریمان به شماره شناسنامه ۲۴ و کد ملی ۲۱۲۱۸۰۶۵۲۳۰۰۰ فرزند عبدالحمید در سه دانگ اعیان یک قطعه زمین با بنای احدائی که ششادان عرصه آن وقف است بمساحت کل عرصه:

۳۰۲،۷۹ مترمربع از پلاک شماره ۳۷۵۰ - اصلی واقع در اراضی شهری آستان قدس رضوی بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضیان دارد.

ردیف ۶- کلاسه ۲۶۴۲، ۱۴۰۱۵۱۴۴۱۲۸۰۰۰ فرزند تقاضای آقای روح اله مهدی پناه به شماره شناسنامه ۱۷۴۱ و کد ملی ۲۱۲۱۷۵۴۲۱۰۰۰ فرزند رضا در ششادان یک قطعه زمین با بنای احدائی بمساحت ۹۵،۳۱ مترمربع از پلاک شماره ۳۳۶۸ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

[illegible]

ادامه یادداشت اول

فضای مجازی و رسانه‌های مکتوب

نگاهی به برخی از تیتراژها و محورهای تحلیلی این روزنامه نشان می‌دهد که به عنوان مثال توسعه در گلشن مهر صرفاً یک واژه کلی نبوده، بلکه به عنوان یک

مسئله واقعی مورد بررسی قرار گرفته است. پرداختن به موضوعاتی مانند توسعه کاغذی (نگاهی به سند چشم‌انداز توسعه گلستان)، مهاجرت خاموش؛ هزینه سنگین توسعه نامتوازن، کلید توسعه پایدار و امنیت غذایی گلستان؛ کشاورزی حفاظتی و توسعه از نگاه مدیران می‌گذرد نشان‌دهنده تلاشی است برای عبور از روایت‌های رسمی و پرداختن به پرسش‌های اساسی استان؛ اینکه چرا برخی ظرفیت‌ها بالفعل نشده‌اند، توسعه چه موانعی دارد و تصمیم‌های مدیریتی چه نقشی در آینده گلستان ایفا می‌کنند. همچنین توجه این روزنامه به موضوعاتی مانند خشکسالی، بحران منابع آبی و آینده کشاورزی، اهمیت

ویژه‌ای دارد. در استانی که بخش مهمی از اقتصاد آن به کشاورزی وابسته است، مسئله آب فقط یک موضوع محیط‌زیستی نیست؛ بلکه به امنیت غذایی، اشتغال و معیشت مردم استان ارتباط مستقیم دارد. پرداختن به این مسائل از زاویه تحلیلی، همان نقشی است که رسانه‌های مکتوب می‌توانند بهتر ایفا کنند. البته مطبوعات محلی همچنان با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند؛ از مشکلات اقتصادی و هزینه‌های انتشار گرفته تا تغییر رفتار مخاطبان. اما تجربه نشان داده است که کیفیت محتوا می‌تواند مهم‌ترین عامل بقا باشد. رسانه‌ای که تنها بازشرکننده خبر باشد، در رقابت با فضای مجازی عقب

می‌ماند؛ اما رسانه‌ای که مسئله‌سازی کند، تحلیل ارائه دهد و به حافظه اجتماعی جامعه تبدیل شود، همچنان جایگاه خود را حفظ خواهد کرد. آینده نشریات مکتوب در تقابل با فضای مجازی تعریف نمی‌شود؛ بلکه در کنار آن شکل می‌گیرد. فضای مجازی سرعت و گستره را فراهم می‌کند و رسانه مکتوب عمق و اعتبار را. تجربه گلشن مهر در گلستان نشان می‌دهد که روزنامه‌ها، اگر نقش خود را بازتعریف کنند و بر مزیت اصلی خود یعنی تحلیل و اعتماد تکیه داشته باشند، نه تنها زنده می‌مانند، بلکه می‌توانند همچنان در شکل‌دهی به افکار عمومی و مسیر توسعه استان اثرگذار باشند.

دانشگاه‌ها بازوی علمی دولت برای حل مشکلات کشور هستند



رئیس دانشگاه پیام نور گلستان با تاکید بر اینکه دانشگاه‌ها باید به بازوی علمی و مشورتی دولت در حل مسائل کشور تبدیل شوند، گفت: مسئله محور کردن پژوهش‌ها، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، تربیت نیروی انسانی متناسب با نیاز بازار کار و نهادینه‌سازی ارتباط دانشگاه با دستگاه‌های اجرایی، مهم‌ترین راهکارهای ایفای نقش موثر دانشگاه‌ها در توسعه کشور است. به گزارش روابط عمومی، ایوب بدرق‌نژاد درباره نقش دانشگاه‌ها در کمک به دولت برای حل مسائل کشور اظهار کرد: در دانشگاه‌ها پژوهش‌های فراوانی اعم از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی گرفته تا طرح‌های پژوهشی اعضای هیات علمی انجام می‌شود اما مهم‌ترین اقدام در این حوزه مسئله‌محور کردن این پژوهش‌ها است. وی با تاکید بر اینکه دانشگاه‌های استان باید مسائل و چالش‌های اصلی گلستان را مبنای فعالیت‌های پژوهشی خود قرار دهند، افزود: هر دانشگاه نیز متناسب با ظرفیت اعضای هیات علمی، رشته‌های تحصیلات تکمیلی و توان علمی خود، حل بخشی از این مسائل را بر عهده بگیرد تا بتواند گرهی از مشکلات استان را باز کند. رئیس دانشگاه پیام نور گلستان ادامه داد: دنیا با شتاب به سمت فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان حرکت می‌کند و دانشگاه‌ها ظرفیت ارزشمندی برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز رشد و واحدهای فناور دارند. به گفته بدرق‌نژاد؛ شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز رشد و واحدهای فناور می‌توانند ایده‌ها، طرح‌های پژوهشی و راهکارهای علمی را به فناوری و محصول تبدیل کنند و از این طریق علاوه بر کمک به توسعه علمی، در حل مسائل استان و کشور نیز نقش‌آفرین باشند. وی با تاکید بر

صرفاً تاکید بر ارتباط دانشگاه و صنعت یا دانشگاه و دولت کافی نیست بلکه این ارتباط باید در قالب یک ساختار مشخص و نهادینه تعریف شود تا هر دو طرف خود را ملزم به اجرای آن بدانند. بدرق‌نژاد افزود: دستگاه‌های اجرایی باید مسائل، نیازها و چالش‌های واقعی خود را با دانشگاه‌ها در میان بگذارند و دانشگاه‌ها نیز با استفاده از ظرفیت‌های علمی و فناورانه خود، برای این مسائل راهکارهای علمی و عملی ارائه کنند. وی در ادامه اشتغال دانش‌بنیان و مهارت‌آفرینی برای فارغ‌التحصیلان را نخستین اولویت دانشگاه در استان دانست و گفت: دانشگاه پیام نور گلستان با بیش از هشت

هزار دانشجو که بخش عمده آنان بومی استان هستند ظرفیت مناسبی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد دارد و باید از این ظرفیت در مسیر توسعه استان استفاده شود. رئیس دانشگاه پیام نور گلستان، کشاورزی را دومین اولویت مهم استان عنوان کرد و یادآور شد: با توجه به اینکه این بخش همواره در برنامه‌های توسعه استان جایگاه ویژه‌ای داشته، دانشگاه می‌تواند با ارائه راهکارهای علمی در زمینه مدیریت منابع آب، کشاورزی پایدار، حفاظت از محیط زیست و سایر حوزه‌های مرتبط، به رفع چالش‌های این بخش کمک کند. بدرق‌نژاد گردشگری را از دیگر ظرفیت‌های مهم توسعه گلستان دانست و گفت: وجود مرز اینچ‌برون و اتصال آن به کشورهای آسیای مرکزی، فرصت ارزشمندی برای توسعه اقتصاد مرزی، تجارت و همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کرده و دانشگاه‌ها می‌توانند با انجام پژوهش‌های کاربردی و ارائه راهکارهای تخصصی، نقش موثری در بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها ایفا کنند. وی با اشاره به نقش دانشگاه‌ها در تصمیم‌سازی کشور بیان کرد: دانشگاه می‌تواند به یکی از ارکان اصلی تصمیم‌سازی تبدیل شود اما تحقق این هدف مستلزم تعاملی دوطرفه میان دولت و دانشگاه است. این ارتباط باید به صورت منظم، قاعده‌مند و نهادینه شکل بگیرد تا به یک همکاری پایدار تبدیل شود. رئیس دانشگاه پیام نور گلستان متذکر شد: باید این نگاه در دستگاه‌های اجرایی نهادینه شود که اجرای هر طرح و برنامه باید بر پایه مطالعات علمی و پژوهشی باشد. دانشگاه‌ها این توان را دارند که مطالعات لازم را انجام دهند و با ارائه راهکارهای علمی، کیفیت و اثربخشی طرح‌های اجرایی را افزایش دهند.

آگهی مزایده کتبی مال الاجاره یک باب مغازه جنب ساختمان اداری شهرداری (مرحله دوم)

شهرداری بندرگز به استناد مجوز شماره ۷۷۴ مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۳ شورای اسلامی شهر بندرگز و تأیید شماره ۱۴۰۴/۱۰۹۹۷۳ مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ کمیته انطباق فرمانداری در نظر دارد نسبت به مال الاجاره یک باب مغازه اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکات در مزایده از روز چهارشنبه مورخه

۱۴۰۵/۵/۱۴ تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir

شناسه آگهی ۲۲۴۸۰۴۲

محمد علی آزادی کناری / شهردار بندرگز